



محمد (ص) در نظر اندیشمندان غربی

محمد (ص) در تاریخ حیات آدمی، شخصیتی سرنوشت ساز است. اگر اهل فکر و اندیشه باشیم از کنار او به راحتی نمی‌توانیم بگذریم. او را باید شناخت و پیامش را باید شنید.

محمد (ص) در تاریخ حیات آدمی، شخصیتی سرنوشت ساز است. اگر اهل فکر و اندیشه باشیم از کنار او به راحتی نمی‌توانیم بگذریم. او را باید شناخت و پیامش را باید شنید.

این بار از محمد (ص) می‌گوییم اما نه از دید یک مسلمان؛ بلکه از دید اندیشمندانی غیر مسلمان که بسیاری را به نام می‌شناسیم و یا شاید آثارشان را دیده و خوانده باشیم.

در این نوشتار، راه و آیین محمد(ص) را نه از زاویه دید یک پیرو معتقد، بلکه از دید غیر مسلمانانی به نظاره می‌نشینیم که اهل تحقیق‌اند، در احوال مردمان دقت کرده، تاریخ، فرهنگ و روش زندگی آدمیان را مطالعه کرده و قلم‌ها زده‌اند؛ آنانی که صاحب نظرند و نظراتشان قابل تامل است.

آنچه در ادامه می‌خوانیم دیدگاه تعدادی از صاحب نظران بزرگ غیر مسلمان تاریخ بشری است که هر یک با مطالعه و تحقیق و البته از زاویه دید خود به شخصیت محمد (ص) و پیام او پرداخته‌اند. شخصیتی که بعد از 1400 سال، صدها میلیون نفر در این کره خاکی امید دارند پیرو راستین او و راهش باشند.

میخائیل. ه. هارت، (1932)، Michael.H.Hart، م.-)، محقق معاصر آمریکایی در کتابش به نام "صد: رتبه بندی صد انسان تاثیر گذار در تاریخ"، محمد را در ابتدای فهرست خود جای می‌دهد. وی سپس این گونه توضیح می‌دهد:

"انتخاب من برای جای دادن نام محمد در سرآغاز شخصیت‌های تاثیر گذار جهان ممکن است موجب تعجب بعضی خوانندگان گردد و ممکن است برای دیگران سوال برانگیز باشد، اما او در تاریخ تنها مردی بود که فوق العاده در دو بعد دین و دنیا موفق بود." [1]

توماس کارلایل، (1795-1881)، Thomas Carlyle، م.)، تاریخ دان و اندیشمند شهیر اسکاتلندی است. آثار وی تاثیر به سزایی بر تفکر سیاسی، ادبی و مذهبی سده نوزدهم میلادی بریتانیا داشته است. مهم‌ترین اثر او تاریخ انقلاب کبیر فرانسه است. او در کتاب قهرمان و قهرمان پرستی (Hero And Hero worship) در مورد محمد (ص) چنین می‌نویسد:

"دروغ‌ها و تهمت‌های غرب، ملهم از تعصب‌های بی‌معنی که پیرامون این مرد صورت گرفته (در جهت خدشه دار کردن چهره او) فقط موجب خفت خود ماست."

در جای دیگر چنین می‌نویسد:

"این فرزند صحرا با قلبی عمیق و چشمانی سیاه و نافذ و با روح اجتماعی وسیع و پر دامنه‌ای، همه نوع افکاری با خود همراه داشت غیر از جاه طلبی. چه روحی آرام و بزرگ! او از کسانی بود که جز با شور عشق و حرارت سر و کاری ندارد و از کسانی بود که طبیعت، آن‌ها را مخلص و صمیمی قرار داده است. در حالی که دیگران در طریق فرمول‌های (شعارهای) گمراه کننده و بدعت‌ها سیر می‌کردند و با همان حال راضی و خرسند بودند، این مرد نمی‌توانست خودش را در آن شعارها بپیچد و محصور کند. رمز بزرگ هستی با همه دهشت و جبروت و با همه جلال و شکوه در نظر او روشن و آشکار می‌درخشید. هیچ گونه بدعت و ضلالتی، آن حقیقت غیر قابل وصف را نمی‌توانست از او مکتوم و مستور بدارد و ندای همان حقیقت بود که می‌گفت: "من وجود دارم." کلام چنان مردی، صدایی است مستقیم از قلب طبیعت. مردم باید به آن گوش دهند و اگر به چنان کلامی گوش ندهند، به هیچ صدایی نباید اعتماد کنند؛ زیرا همه چیز در برابر آن باد است." [2]

کارن آرمسترانگ، Karen Armstrong، (م. ۱۹۴۴-)، نویسنده و پژوهشگر انگلیسی است که تا کنون دوازده کتاب درباره دین‌شناسی تطبیقی تألیف کرده‌است. وی به مدت ۷ سال راهبه‌ای کاتولیک بوده و در دانشگاه آکسفورد ادبیات کلاسیک و مدرن خوانده است. او کتابی دارد با عنوان زندگی نامه پیامبر اسلام که یک ماه بعد از 11 سپتامبر منتشر شد و به پرفروش‌ترین کتاب سال آمریکا تبدیل شد. در قسمت‌هایی از این کتاب آمده است:

"اگر ما محمد را از همان دیدگاهی که چهره‌های بزرگ تاریخی را می‌نگریم، ببینیم، به راحتی به این باور خواهیم رسید که او بزرگ‌ترین نابغه‌ی طول تاریخ بشریت بوده است، این باور نه به خاطر آوردن قرآن یا ایجاد یک دین بزرگ یا فتوحات نظامی او، بلکه به خاطر شرایط خاصی که او در آن رشد یافته، ایستادگی کرده و پیروز گردید، در ما ایجاد می‌گردد."

"طی قرن‌ها در غرب، ما سعی کرده‌ایم از محمد چهره مردی خشن، جنگجوی بی رحم و سیاستمداری خودخواه را بسازیم. در صورتی که او مردی بسیار احساساتی و رؤوف بود. او به قدری رؤوف و مهربان بود که حتی از آزار حیوانات هم ابا داشت"[3]

گوستاو لوبون، (1841-1931)، (Gustave Le Bon، م)، از جمله خاورپژوهان پرآوازه فرانسوی است. او مطالعات ارزشمندی در مورد تاریخ و تمدن برخی ملت‌ها از جمله درباره اسلام و تمدن مسلمانان انجام داده است. او در کتابش به نام "تمدن عرب" محمد و دین او را تحلیل می‌کند. او در قسمتی از این کتاب چنین آورده است:

"معجزه کبرای پیغمبر این بود که توانست پیش از مرگ خود، قافله پراکنده عرب را گردهم آورد و از این کاروان سرگردان و پریشان، ملت واحدی تشکیل بدهد بدان سان که همه را در برابر یک دین، خاضع، فرمانبر و مطیع یک پیشوا گرداند."

در ادامه می‌گوید:

"اگر بخواهیم ارزش اشخاص را به کردار و آثار نیک شان بسنجیم، مسلماً محمد، بزرگترین مرد تاریخ است."

او در مورد اعتقادات دین محمد این چنین می‌گوید:

"این افتخار، تنها بهره اسلام است که نخستین دینی است که توحید را در جهان آورده و باید در این باره به خود ببالد."

و در همین رابطه ادامه می‌دهد:

"سهولت بی نظیر اسلام، بر اساس توحید خالص است، و رمز پیشرفت اسلام نیز در همان سهولت و آسانی آن بوده [است]. پی بردن به اسلام به همین دلیل، بسیار آسان است. اسلام از مطالبی که عقل سلیم از پذیرش آن خودداری می‌کند و در ادیان دیگر نمونه‌های آن بسیار است، کاملاً میرا است؛ یعنی تناقضات و پیچیدگی‌هایی که غالباً در کیش‌ها و آیین‌های دیگر دیده می‌شود، در دین اسلام، وجود ندارد. هر چه شما فکر کنید، ساده‌تر از اصول اسلام نیست که می‌گوید: خدا یگانه است؛ مردم همگی در برابر خدا یک سان اند؛ با انجام چند فریضه دینی، انسان به بهشت (سعادت) می‌رسد. و با رو گرداندن از انجام آن به دوزخ درآید. شما به هر مسلمان از هر طبقه‌ای که برخورد کنید، می‌بینید تمام اصول اسلام و آنچه بر او واجب است، همه را در قالب چند جمله کوتاه با کمال آسانی می‌ریزد و همه را به خوبی می‌داند." [4]

لورا واکسیا واگلیری، (1893-1989)، (Loura Vaccia Vaglieri، م)، پروفسور ادبیات عرب و استاد تاریخ تمدن اسلام در دانشگاه ناپل (ایتالیا)، رساله‌ای در مورد پیامبر خاتم نوشته است که در قسمتهایی از آن آمده:

"پیمبر عربی با صدایی که بر اثر ارتباط عمیق با پروردگارش به او وحی شده بود، خالص‌ترین و پاک‌ترین نوع یگانه پرستی را به پرستندگان خرافات و سحر و جادو و به پیروان مسیحیت و یهودیت که کیششان به فساد گراییده بود ارایه کرد."

"او آشکارا خودش را با تمایلات ارتجاعی و رغبت‌های کهنه پرستی بشر که منتهی به شرک قرار دادن سایر موجودات با آفریننده می‌شود، طرف قرار داد."

"با کمال تواضع و فروتنی برای در هم شکستن سد خودخواهی و خودپرستی قیام کرد. محمد به عنوان داعی و مبلغ دین خدایی حتی نسبت به دشمنان شخص خودش رؤوف و رحیم بود. در نهاد او دو صفت ممتاز عدالت و رحم که مورد احترام فکر انسانی است، ممزوج شده است." [5]

آنا ماری شیمل، (1922-2003)، (Anne marie Schimmel، م)، خاورشناس آلمانی و متخصص در تاریخ مذاهب و مطالعات اسلامی و ایران‌شناسی در کتاب "محمد رسول خدا" می‌گوید:

"پدیدار شناسان ادیان و نیز روانشناسان در خواهند یافت که اسلام نمونه بسیار جالب از اخلاص عاشقانه نسبت به پیامبر (ص) را در اختیارشان قرار می‌دهد. همه بر این قول خواهند آمد که شخصیت محمد (ص) براستی در کنار قرآن، کانون زندگی

مسلمانان است. پیامبر آن کسی است که تا ابد اسوه حسنه (سوره 33، آیه 21) نمونه نکو برای زندگی همه کسانی باقی می‌ماند که در تشهد، شهادت دین، تصدیق می‌آورند بر این که او براستی « رسول خدا » است." [6]

[1] میخاییل. هارت در کتاب " 100 شخصیت تاثیر گذار تاریخ "، صفحه 33، نیویورک، چاپ 1978

M.H. Hart, THE 100: A RANKING OF THE MOST INFLUENTIAL PERSONS IN HISTORY, New York, ..1978, p.33

[2] ترجمه ای از :

THOMAS CARLYLE'S COLLECTED WORKS, LIBRARY EDITION, IN THIRTY VOLUME, Vol. XII, Heroes AND HERO_WORSHIP, London, Chapman and Hall, 1869. p.53,64,65

[3] محمد: زندگی نامه پیامبر اسلام، ص 38 و 201، کارن آرمسترانگ، ترجمه کیانوش حشمتی، انتشارات حکمت.

[4] تمدن اسلام و عرب، ص 128، 141، 129، 142، گوستاولوبون، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی (هاشمی)، انتشارات کتابچی.

[5] پیشرفت سریع اسلام، ص 332، 338 و 337، لورا واکسیا واگلیری، ضمیمه کتاب عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، جان دیون پورت، مترجم سید غلامرضا سعیدی به کوشش و مقدمه سید هادی خسروشاهی، انتشارات اطلاعات.

[6] محمد رسول خدا، مقدمه مولف ص 7، آنه ماری شیمل، مترجم حسن لاهوتی، انتشارات علمی فرهنگی.